



مرگ لازمه قوانین طبیعی نیست/ پاسخی بر منکرین طول عمر حضرت مهدی (عج)

موضوع طول عمر قائم منتظر که از قبل در فرهنگ اسلامی قطعیت یافته بود از لحاظ منطق و دانش و تحقق و اعتقاد دینی نیز امری سزاوار و انکار ناپذیر است.

موضوع طول عمر قائم منتظر که از قبل در فرهنگ اسلامی قطعیت یافته بود از لحاظ منطق و دانش و تحقق و اعتقاد دینی نیز امری سزاوار و انکار ناپذیر است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: پروردگار والا مرتبه وجود حضرت مهدی (ع) را در صدف خانه غیبت نمان ساخته است و این صدف شکسته نمی شود مگر آن زمان که آدمی دست از مرواریدهای بدل برداشته و خواهان تلولو این در پنهان گردد. از طرف دیگر آگاهیم که: اگر زمین بی امام ماند، اهلس را به کام خواهد کشید. (۱)، (۲) با توجه به این دو گونه معرفت (حتمیت قیام و لزوم وجود حجت) است که مسأله طول عمر و دیر زیستی حضرت بقیه الله (ع) جزء خصوصیات ویژه ایشان قرار می‌گیرد.

این ویژگی هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که می فهمیم روایات نبوی و احادیث امامان شیعه علیهم - السلام به گونه گسترده از آن سخن رانده اند و مجموع آن احادیث را برخی از محققان تا ۳۱۸ مورد برشمرده اند. (۳)

از آنجا که عمر دراز مدت امام عصر (ع) پدیده ای غیر متعارف در میان انسانها می‌باشد، از همان اوان غیبت استبعادها و اعتراضها متوجه شیعه بوده است که ادعای شما بر طول عمر صاحبان و اینکه معتقدید او جوانی است دارای عقلی کامل و نیرویی تمام، امری خارق العاده است، زیرا بنا به عقیده شما در این زمان - که سال ۴۴۷ می‌باشد وی ۱۹۱ ساله می‌باشد... و عادت بر این نبوده است که هیچ انسانی تا این مدت باقی بماند، پس چگونه است که این جریان در مورد او - مهدی (ع) - نقض شده است؟ (۴) و شگفت آورتر: او کجا رفت؟ و چگونه وجود او امکان دارد؟ تا چه هنگام در غیبت خواهد بود؟ و حیاتش تا چه مدت به طول می انجامد؟! (۵)

همین حالت نابوری است که همواره محدثین و متکلمین و حکمای شیعی را برانگیخته است که بر این نشانه حضرت مهدی (ع)، دلایلی اقامه کنند.

مادر ذیل، با وجود عدم امکان بررسی تمامی آن براهین در این نوشته، پاره ای از آنها را از دیدگاه های گوناگون یاد آور می‌شویم:

؛ منطق؛

؛ عدم احاطه علمی؛

بطور کلی ما در کلیه قضاوتهای خود هنگامی می‌توانیم درباره پدیده ای نظر مثبت یا منفی ارائه دهیم که بر تمامی جوانب قضیه آگاهی داشته و ابعاد آن کاملا بر ایمان مشخص باشد. مساله عمر طولانی نیز از این اصل منطقی خارج نیست زیرا که برای بررسی دقیق آن ناچار از شناختی ژرف نسبت به انسان و جهان هستیم، اما خود می‌دانیم که بشر - با وجود پیشرفت فراوان علم در زمینه‌های مختلف - هنوز باعتراف سردمدارانش در مراحل اولیه این طریق است و حتی پیشرفت معلومات با گسترش مجهولات نسبت تصاعدی دارد، به این مفهوم که با کشف یک معضل علمی، بسا که دهها و صدها مسئله و معمای دیگر، در پی آن خود نمائی نمایند. و به تعبیر یکی از پژوهشگران غرب: همچنان که با افزایش قطر کره، سطح تماس آن با عالم خارج افزایش می‌یابد، توجه به مجهول نیز با پیشرفت معرفت افزوده می‌گردد. (۶)

؛ دانش؛

؛ اصالت حیات؛

از اصول علمی مورد قبول دانشمندان بیولوژیست این است که برای عمر بشر نمی توان حدی تعیین نمود و حتی اینکه

دیر زیستی، مساله ای مرز ناپذیر است و به تعبیر دیگر: مرگ لازمه قوانین، طبیعی نیست و در عالم طبیعت از عمر ابد گرفته تا عمر یک لحظه ای همه نوعش هست، آنچه طبیعی و فطری است عمر جاودانی است. (۷) اما این تاثیر روزگار بر ابدان آدمیان - پیری و کهولت - ناشی از عواملی از قبیل عدم رعایت اصول بهداشتی و تغذیه ناصحیح و تاثیرات جوی و محیطی و غیره می‌باشد که بعضی از آنها شناخته و برخی دیگر هنوز بر بشر مجهول بوده و رشته‌های از دانش بیولوژی مانند ژنیاتری و جرونتولوژی در صدد کشف این گونه اصول حیاتی برای بالا بردن سن آدمی و طول العمر ساختن وی هستند. بنابر این با این ترتیب آیا آن کس که آگاه از تمامی رموز جهان باشد قادر نخواهد بود که به عمری پس دراز دست یابد؟ بخدا سوگند این چنین نیست (بلکه) عالم (به معنای واقع) هیچ گاه جهل نمی‌ورزد که نسبت به چیزی آگاه باشد و به چیز دیگر جاهل. خداوند والاتر و ارجمندتر و گرامیتر از آن است که پیروی بنده ای (امام) را واجب سازد لیک علم زمین و آسمان را از وی دریغ دارد. (۸)، (۹).

؛راquo&؛تحقق؛laquo&

؛راquo&؛نمونه‌ها؛laquo&

بطور کلی هنگامی که ما امری را - هر چند خارق العاده - در یک یا چند مورد تحقق یافته دیدیم می‌توانیم آن را در موارد دیگرش تعمیم دهیم. مساله طول العمر بودن از این گونه پدیده هاست که نظائر فراوانی از آن سراغ داریم. چنانچه با توجه به قرآن، نوح لا اقل هزار سال عمر نموده است. و موارد گوناگون دیگر که ذکر آن موجب تطویل است. در این مورد می‌توانید به کتاب العمرون ابوحاتم سجستانی متوفی ۲۸۵ هجری و کمال الدین باب المعمرن و متون دیگر مراجعه نمائید.

؛راquo&؛دین؛laquo&

؛راquo&؛اراده الهی؛laquo&

اما ما در فرهنگ اسلام برای اثبات این واقعیت، هر چند که آن دلائل را بعنوان موید این ویژگی یادآور می‌شویم، لیکن در حقیقت ما از این براهین بی نیاز هستیم زیرا اصل این است که حیات حضرت مهدی (ع) بایستی تا هنگام قیام ادامه داشته باشد و این خواست پروردگار است و می‌دانیم که چون خداوند اراده وجود چیزی را نماید و به او بگوید: باش پس می‌باشد. (۱۰) از طرف دیگر این خواست خداوند دائر بر بی اثر ساختن قوانین طبیعت - بر فرض که پیری را عامل نیستی انسان بگیریم - بی سابقه نیست، بلکه در موارد گوناگون فراوان اتفاق افتاده است. از آن جمله بی اثر ساختن سو زندگی آتش در مورد حضرت ابراهیم (ع)، سلب نمودن برندگی کارد نسبت به فرزند ارجمندش حضرت اسماعیل (ع) می‌باشد.

با توجه به این دلائل و اسباب است که موضوع طول عمر قائم منتظر که از قبل در فرهنگ اسلامی قطعیت یافته بود از لحاظ منطق و دانش و تحقق و اعتقاد دینی نیز امری سزاوار و انکار ناپذیر می‌باشد. (۱۱)

منابع:

۱- برای ضرورت وجود حجت در زمین دلایل فراوانی در فرهنگ شیعه ارائه شده است که، در این نوشته تنها دو مورد آن را آورده ایم. مورد اول همین فرمایش معصوم است و مورد دیگر هم همان نتیجه حاصل از وجوب معرفت امام زمان (که در صفحات قبل دو حدیث دال بر آن آوردیم) - که عبارات از وجود حجت در زمین است - می‌باشد.

۲- اصول کافی باب ان الارض لا تخلو من حجه حدیث ۱۰ - قال ابو عبد الله (ع): لو بقیة الارض بغير امام لساخت ص ۳۳۴، چاپ کتاب فروشی اسلامیة.

۳- منتخب الاثر فصل ۲ باب ۳۰.

۴- کتاب الغیبه تالیف شیخ طوسی ص ۷۸ و ۷۹.

۵- کتاب الغیبه تالیف محمد بن ابراهیم النعمانی ص ۱۵۷.

۶- ژان فوراسیته در ص ۳۸ کتاب وضع و شرایط روح علمی.

۷- گفته برنارد شاو، ص ۲۰ خورشید مغرب محمد - رضا حکیمی.

۸- قال ابو جعفر (ع): لا والله لا يكون عالم جاهل ابدا، عالما بشیء جاهلا بشیء. ثم قال: الله اجل و اعز و اکرم من ان يفرض طاعه عبد يجب عنه علم سمائه و ارضه - اصول کافی جلد دوم ص ۱۳ حدیث ۶.

۹- مکرر فلیث فیهم الف سنه الا خمسين عاما آیه ۱۴، سوره عنکبوت ۲۹.

۱۰- انما امره اذا اراد شیئا ان يقول له کن فیکون ۸۲ یس ۳۶.

۱۱- بهارآفرین قرنهای خزان، محمد مهدی مهزیار، مؤسسه امام المهدی، صص ۷۶-۷۰